

آل سعود عربستان ، بیچاره تر از آل جهاد افغانستان

خادم الحرمين یا خادم القصرین ؟

دراکولا و همزادش (ایالات متحده و بریتانیا) به دوام مانورهایشان برای دوام حضور در منطقه ی خاور نزدیک و خلیج ، مانند همیشه با ((سرو صدا و دهل و سرنا)) گردهم آیی را زیر نام ((کنفرانس لندن)) براه انداختند و در آن گویا ابتکارات تازه ی را برای آوردن صلح و آرامش در منطقه و بویژه افغانستان براه انداختند که در سرخط آن براه اندازی گفت وگو با طالبان میباشد و برای پیاده ساختن آن به دو نوکر ، آل سعود و آل جهاد (ملک عبد الله و حامد کرزی) هدایت داده شد که نقش شانرا ادا کنند .

حامد کرزی ، پیوست با پایان کنفرانس لندن راهی ریاض گردید تا از مقامات آنکشور ، بویژه ملک عبدالله پادشاه سعودی تقاضا نماید که با استفاده از نفوذ خویش ، طالبان را وادار سازد تا با دولت کابل آشتی کرده و داخل گفت وگو گردند . حامد کرزی و هیأت همراهانش هنگام پذیرفته شدن ، همانند برده گان ، با میزبان شان برخورد کردند .

چنانچه به رسم دوران بردگی پس از خم و چم های برده وار ، دست و ریش و شانه ی ملک عبدالله را بوسیدند . (کرزی شانه وامیر!؟ اسماعیل خان دستانش را بوسه زدند) .

همین مجاهدین گرامی ، زعمای دهه ی هشتاد دولت وقت را بخاطر زیاده روی در تعارفات شان به جانب شوروی ملامت میکردند . ولی آوانیکه بمثابه یک افغان این همه

کرنش های برده مآبانۀ حکمرانان امروزی را به باداران اصلی (ایالات متحده و بریتانیا) و حتی نوکران آنها (عربستان ، پاکستان و دیگران) بروی تلویزیون مینگریم از ریزش عرق خجالت پیشگیری نمیتوانیم .

پس ازین همه کرنش ها و چاپلوسی ها یگانه چیزیکه نصیب حامد کرزی گردید ، مدال زرین ((ملک عبدالعزیز)) بود و بس . زیرا کرزی نمیداند و یا

تجاهل عارفانه میکند که **عربستان سعودی خودش آسیب پذیر تر از افغانستان بوده و برای گفت و گو با القایده (شریک جرم و ولینعمت**

طالبان) به یک میانجی ضرورت حیاتی دارد ، چه رسد به

آنکه میانجیگری نماید ، چنانچه به پاسخ تقاضاهای پیشین ، یگانه شرط سازماندهی مذاکره میان طالبان و دولت کابل را ، دوری و جدایی طالبان از سازمان القایده و اعلان صریح آن از جانب طالبان دانسته بود .

دو دیگر اینکه ، هرگاه دولت کابل و طالبان آشتی نمایند ، جنگ و بحران از افغانستان به پاکستان و شبه جزیره ی عربستان (یمن ، امارات و عربستان سعودی) کاملاً انتقال نموده و دوام سیطره ی جهنمی آل سعود را باخطر روبرو میسازد . رویدادهای پسین در یمن خواب را ازچشمان شاهان و شیوخ عرب پرانده است . هم چنان آل سعود حاکم بر عربستان نفت خیز که خود

را **((خادم الحرمین))** مینامند ، درحالیکه در واقعیت و در عمل **((خادم**

القصرین)) **(قصر باکنگهم و قصر سفید)** هستند و اینرا میدانند که

باداران و حامیان شان هرگز خواهان پایان جنگ و بحران در افغانستان و منطقه نیستند ، زیرا درآنصورت دلیل حضور شان درین منطقه از بین رفته و باید منطقه را ترک بگویند . ازینرو نه تنها درجهت ختم جنگ و بحران ، بلکه در جهت پهنا و ژرفای آن در تکاپو هستند .

خوشنماتر اینکه سازمان استخبارات عربستان سعودی در همکاری تنگاتنگ با سازمان استخبارات نظامی پاکستان (آی . اس . آی) و با بذل کمکهای پولی و فنی با آن ، در سازماندهی رویدادهای خونین در افغانستان دست دارد . سازمان استخبارات سعودی که در رأس آن یکی از شهزاده های خون خوار و ظالم آل سعود قرار دارد نه تنها حالا که از سالهای دراز بدینسو در جهت گسترش و ژرفای بحران و سازماندهی رویدادهای خونین درین کشور دست داشته و دارد .

موجز اینکه : حالا دیگر به همه روشن گردیده است که هرگاه حکمروایان در کاخ باگنگهم و کاخ سفید اراده کنند ، بحران منطقه و افغانستان در کوتاه ترین زمان پایان مییابد ، ولی سوگمندانه که پایان این بحران به سیطره و حضور آنان درین منطقه ی مهم ، غنی و حیاتی دنیا نقطه ی پایان میگذارد که همین اصل اسباب اصلی بدبختی و سیه روزی مردم منطقه ، منجمله مردم افغانستان را بوجود آورده است . پس باید دانست که ژرفا و پهنای بزرگی بین گفتار و کردار جلواران سیاست منطقه و دنیا وجود دارد که نباید فریب سرو صداهای دروغین صلح طلبی دشمنان صلح را خورد .